



مقاله: پژوهشی

Analysis of crime hotspots of street fighting in Kermanshah city

Amin Akbari¹

Received: 10 - 02 - 2024

PP. 139-164

Accepted: 14 - 04 - 2024

Abstract

Background and purpose: Fighting is a social phenomenon that has existed more or less in all human societies, and with the process of industrialization and urbanization, it has taken the form of street fighting and has become a social harm in some cities. The purpose of this study is to identify, investigate and analyze the hot spots of this phenomenon in Kermanshah. The theoretical framework of the research is the theory of crime hotspots, which was used by Sherman, Gartin, and Buerger for the spatial analysis of crime, and it represents a geographical area and a place where the crime rate is very high.

Method: To investigate this issue, the existing statistics analysis method was used, and for data analysis, spatial statistics analysis was used in the GIS software environment.

Findings: The findings show that the fighting is visible all over the city, but in two parts of the city, the hot spot is formed and it is faced with severe density, and the Standard Deviation Elipse, in the northeast-southwest direction with The amount of elongation is relatively high and the width is low.

Conclusion: The result indicates that the specific areas of the city are the places where crime is concentrated, the first case is the less privileged parts of the city and the second case is the center of the city, which is the place of population density, with four main streets that are north, south, It connects east and west and other places are considered pure areas.

Keywords: Crime, Street fights, Crime Hot Spots, Kermanshah.

Reference: Akbari, Amin (2024). "Analysis of crime hotspots of street fighting in Kermanshah city". *Quarterly of Disciplinary Geography*. 12(45), pp. 139-164.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1 - Assistant Professor in Sociology, Department of Sociology, Payame Noor University, Tehran, Iran. E-mail: a.akbari@pnu.ac.ir

مقاله: پژوهشی

شناسایی و تحلیل کانون‌های نزاع خیابانی در شهر کرمانشاه

امین اکبری^۱

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۶

از صفحه ۱۳۹ تا ۱۶۴

دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۱

چکیده

زمینه و هدف: نزاع، پدیده‌ای اجتماعی است که کمابیش در همه جوامع بشری از گذشته‌های دور تا به امروز وجود داشته و با روند صنعتی‌شدن و شهری‌شدن، شکل نزاع‌های خیابانی را به‌خود گرفته و در برخی از شهرها به‌صورت یک آسیب اجتماعی درآمده است. هدف این مطالعه تشخیص، بررسی و تحلیل کانون‌های این پدیده در شهر کرمانشاه است. چارچوب نظری پژوهش، نظریه کانون‌های جرم‌خیز است که توسط شرمن، گارتین و برگر برای تحلیل مکانی بزه‌کاری مورد استفاده قرار گرفته و بیان‌گر یک محدوده جغرافیایی و مکانی است که نرخ بزه‌کاری در آن بسیار بالاست.

روش: برای بررسی این موضوع از روش تحلیل آمارهای موجود و برای تحلیل داده‌ها از تحلیل‌های آمار فضایی در محیط برنامه نرم‌افزاری سیستم اطلاعات جغرافیایی استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که نزاع با این که در تمام سطح شهر به‌چشم می‌خورد اما در دو نقطه از شهر، کانون شکل گرفته و با تراکم شدیدی مواجه می‌باشد و بیضی انحراف معیار، در جهت شمال شرقی - جنوب غربی با میزان کشیدگی نسبتاً زیاد و عرض کم، قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری: نتیجه حاکی از آن است که محدوده‌هایی خاص از شهر، محل تمرکز نزاع است که مورد اول از نقاط کم برخورد در شهر و مورد دوم مرکز شهر است که محل تراکم جمعیت، با چهار خیابان اصلی است که شمال، جنوب، شرق و غرب را به هم وصل می‌کند و سایر مکان‌ها، محدوده‌های پاک محسوب می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: جرم، نزاع‌های خیابانی، کانون‌های جرم، کرمانشاه.

استناددهی (APA): اکبری، امین (۱۴۰۲). «شناسایی و تحلیل کانون‌های نزاع خیابانی در شهر کرمانشاه». پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۱۲(۴۵)، صص ۱۳۹-۱۶۴.



مقدمه

نزاع بین انسان‌ها پدیده‌ای اجتماعی است که عمری به بلندای تاریخ بشری دارد. انسان‌ها نیز به مانند سایر حیوانات، گاه و بی‌گاه بر سر منافع اقتصادی، اجتماعی، خورد و خوراک، جنسی و ... با یکدیگر درگیر می‌شده‌اند و با خشونت فیزیکی تمایل به دستیابی به منافع بیشتر، تحمیل قدرت فیزیکی یا برآوردن غریزه خشونت خود داشته‌اند. با پیچیده‌تر شدن فرهنگ‌ها و شکل‌گیری تمدن‌ها، خرد جمعی همواره سعی داشته است با تنظیم قراردادهای اجتماعی و قانون، میل به خشونت فیزیکی و منازعه را کنترل کرده و روش‌ها و ابزارهایی عقلانی را جایگزین آن کند. این هدف با گذر زمان تا حدودی موفقیت‌آمیز بوده اما هم‌چنان شاهد وقوع درگیری‌ها و نزاع‌های مختلف به‌صورت فردی و گروهی در بین جوامع بشری هستیم، گرچه در جوامع گوناگون به اقتضای سطح و شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی، میزان رخداد آن متفاوت است.

هم‌زمان با انقلاب صنعتی که با پیشرفت‌های علم پزشکی همراه بود، جمعیت اجتماعات انسانی رشدی شتابان به‌خود گرفت و به موازات این رشد به‌واسطه متراکم شدن جمعیت، پدیده نزاع‌های خیابانی شکل گرفت که در بعضی از شهرها به‌ویژه شهرهای بزرگ در کشورهای جهان سوم تبدیل به آسیب اجتماعی شده است.

جرم نزاع فردی و خیابانی از آن دسته جرائمی است که میزان آن، اغلب بسیار بیش‌تر از میزان آمار رسمی آن است، زیرا بسیاری از نزاع‌ها به‌گونه‌ای است که با وساطت مردم، خاتمه می‌یابد و به پلیس گزارش نمی‌شود. حتی برخی از موارد که به پلیس نیز گزارش می‌شود در پایگاه پلیس قبل از تشکیل پرونده با وساطت پلیس، پیگیری خاتمه می‌یابد و ثبت نمی‌شود. با این‌حال این نوع جرم، جزء جرائمی است که تعداد آن بسیار زیاد است. در تعریف نزاع می‌توان گفت نزاع عبارت است از کشمکشی مشهود و از نظر اصولی مستقیماً

قابل رؤیت که حداقل بین دو نفر شکل می‌گیرد (شایان مظفر، ۱۳۸۸: ۲۳۲). نزاع را می‌توان در ذیل مفهوم عام‌تری به نام پرخاش‌گری قرار داد.

افراد جامعه بر سر مسائل گوناگونی ممکن است باهم درگیر شوند، که می‌تواند این موارد را در برگیرد: عدم رعایت نوبت، عدم رعایت حق تقدم، سوار کردن مسافر، جای پارک، تصادف خودرو، بر سر دعوای فرزندان، اختلافات خانوادگی، مسائل ناموسی، مسائل آپارتمانی، تخلیه زباله، مسائل مالی، پاس نشدن چک، بستانکاری و بدهکاری و (ربانی خوراسگانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ نصیری، ۱۳۹۳؛ طالب و دیگران، ۱۳۹۶؛ محسنی و همکاران، ۱۳۹۶). از حیث جامعه‌شناختی نزاع با دیگران می‌تواند ریشه در شرایط زندگی پر استرس، مشکلات مالی، چالش‌های مربوط به کار یا تغییرات عمده زندگی و یا تضاد ارزش‌های فرهنگی داشته باشد. بدیهی است در جوامعی که شهروندان از لحاظ اقتصادی تحت فشار باشند، احساس محرومیت اجتماعی در آن‌ها شکل گرفته باشد، خود یا خانواده خود را قربانی تبعیض اجتماعی بدانند، احساس یأس و نومیدی در آن‌ها پدیدار شده و امید چندانی به آینده نداشته باشند، از بیکاری رنج ببرند، این آسیب بیش‌تر نمود پیدا می‌کند و آن‌ها را مهیای نزاع حتی بر سر مسائل کم‌اهمیت می‌کند. از بُعد بوم شناختی نزاع می‌تواند حاصل تراکم جمعیت، اشکالات کالبدی فضای شهری و وضعیت‌های آب‌وهوایی باشد. جرم‌شناسی محیطی و پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهد که برخی امکانات و ویژگی‌های شبکه خیابانی فرصت‌های جرم و جنایت را تسهیل می‌کند. این تسهیلات اغلب به‌عنوان تسهیلات بالقوه جرم‌زا نامیده می‌شوند، زیرا تصور می‌شود که فعالیت‌های معمول مرتبط با کارکردهای خاص آن‌ها فرصت‌های جرم را ایجاد می‌کند و این‌که چرا خیابان‌های خاصی در یک شهر نسبت به بقیه خیابان‌ها، دارای میزان جرم نامتناسبی هستند (کلسی، ۲۰۲۱).

برخی از عوامل جامعه‌شناختی و جغرافیایی که به آن‌ها اشاره شد در شهر کرمانشاه به‌طور بالقوه زمینه را برای شکل‌گیری رفتارهای خشونت‌آمیز فراهم کرده است. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، نرخ بیکاری در استان کرمانشاه برابر با ۱۷/۶ درصد است که با اختلاف اندکی



نسبت به کهکیلویه و بویراحمد در جایگاه دوم در بین استان‌های کشور قرار گرفته است. این میزان از بیکاری خود به مثابه عوامل مداخله‌ای و تسهیل‌کننده در امر نزاع است و فرد را مہیای رفتار پرخطر و خشونت‌آمیز می‌کند. تریویس هرشی معتقد است درگیری در امور زندگی روزمره، وقت زیادی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می‌شود. افراد بیکار، وقت بیش‌تری برای هنجارشکنی دارند (بخارایی، ۱۳۹۲: ۹۳). از طرف دیگر بافت جمعیتی کرمانشاه چند قومیتی (کرد، لک، فارس) و چند مذهبی (شیعه، سنی و اهل حق) می‌باشد که هر کدام از این تفاوت‌ها می‌تواند از حیث تضاد ارزش‌های فرهنگی منشأ برخی از نزاع‌ها باشد، کما این‌که تعدادی از نزاع‌های فردی و گروهی بر سر همین مسائل بوده است. از طرف دیگر نابه‌سامانی و اشکالاتی کالبدی در وضعیت خیابان‌های بازار اصلی کرمانشاه مشاهده می‌شود که نیازمند بازنگری است.

این پژوهش به دنبال بررسی و شناسایی کانون‌های جرم‌خیز در شهر کرمانشاه است که از آن طریق نقاطی از شهر که نزاع در آن‌ها پر تکرار است شناسایی و ویژگی‌های جامعه‌شناختی، کالبدی و جغرافیایی این نقاط بررسی شوند و راه‌کارهایی برای خارج کردن آن نقاط از کانون جرم و تبدیل کردن آن به مناطق پاک ارائه شود.

پیشینه و مبانی نظری

در بررسی پیشینه‌های این پژوهش، پژوهش‌ها و مطالعاتی که به عوامل شکل‌گیری جرم پرداخته و به نوعی ریشه در جامعه‌شناسی یا جغرافیا داشته‌اند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این بخش در قالب پیشینه خارجی و داخلی مورد بررسی قرار می‌گیرد که هر کدام از این موارد پیشینه‌های جامعه‌شناختی و جغرافیایی را در بر دارد.

برای اولین بار واژه «کانون‌های جرم‌خیز» توسط شرمن، گارتین و برگر در سال ۱۹۸۹ مطرح شد. آل دبلیو شرمن و همکاران به این نتیجه رسیدند که بیش از نیمی از تماس‌های تلفنی به پلیس در ۳/۳ درصد کانون‌های شهری



شهر مینیا پولیس صورت گرفته است (شرمن و همکاران، ۱۹۸۹). این پژوهش نقطه عطفی برای شکل‌گیری پژوهش‌های دیگر در این زمینه و تأیید نظرات آن‌ها شد.

پل ناکس^۱ به مسئله جرم از یک دیدگاه اکولوژیکی نزدیک شد. او دریافت که ارتباط نزدیکی بین فقر و جرائم خشونت‌آمیز مانند قتل، تجاوز به عنف و زد و خورد وجود دارد. او هم‌چنین ارتباطی را بین جرائم مالی مانند دزدی، دست‌برد و سرقت خودرو با ثبات درآمد در محله‌های حاشیه‌ای پیدا کرد. او بر مبنای مطالعات قبلی که رخداد تغییرات اجتماعی در چرخه زندگی طبیعی یا تغییرات حرفه‌ای افراد را بررسی کرده بودند پیش‌بینی کرد که مردم غالباً سطح بالایی از جرائم را در سنین نوجوانی و اوایل دهه بیست سالگی به نمایش می‌گذارند. این پیش‌بینی، هم‌زمان با تجربه نوسانات رکود اقتصادی و فروپاشی فیزیکی که احساس محرومیت افراد را بالا می‌برد، تقویت می‌شود، به‌ویژه زمانی که مردم شرایط خود را با استانداردهای زندگی بالاتر مقایسه می‌کنند. این امر، به‌نوبه خود می‌تواند به تشدید و تقویت فعالیت‌های مجرمانه منتهی شود (ناکس، ۱۹۹۵).

از پیشینه‌های مهم این پژوهش می‌توان به پژوهشی با عنوان «تحلیل فضایی جرم در ونکوور: تلفیق تئوری بی‌سازمانی اجتماعی و فعالیت‌های روزمره»، از مارتین ای اندرسن^۲ (۲۰۰۶) اشاره کرد. این پژوهشی ابعاد فضایی جرائم خشونت‌آمیز را در ونکوور کانادا مورد بررسی قرار می‌دهد. پژوهش اندرسون، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی و نظریه فعالیت‌های روزمره را تلفیق و از آن‌ها برای تبیین ارتباط بین نرخ جرم و ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی در سطوح روند سرشماری استفاده می‌کند. در نهایت این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که سطح بیکاری بالا (نظریه بی‌سازمانی اجتماعی) و وجود جمعیت جوان (نظریه فعالیت‌های روزمره) پیش‌بینی‌کننده‌های قوی برای فعالیت‌های مجرمانه هستند. این پژوهش از دو نظریه مهم یعنی بی‌سازمانی اجتماعی و

1- Paul Knox

2- Martin. A. Anderson



نظریه فعالیت‌های روزمره برای تبیین وضعیت جرم در ونکوور کانادا استفاده کرده است. پژوهش‌گر با استفاده از نظریه بی‌سازمانی اجتماعی به این نتیجه رسیده است که جرم در مناطق مختلف ونکوور توزیع یکسانی ندارد و مناطقی که فقیرتر است یا تعداد بیکاران بیش‌تری دارد، مجرمان بیش‌تری هم دارد. این نظریه به‌خوبی می‌تواند برای دست‌یابی به چنین نتیجه‌ای به پژوهش‌گر کمک کند.

یکی از پژوهش‌های داخلی که به بخش فضایی پژوهش حاضر نزدیک است و حاصل آن در قالب مقاله در فصلنامه نظم و امنیت انتظامی منتشر شده است، مقاله «تحلیل بزه‌کاری شهری با استفاده از مدل تخمین تراکم کرنل در شهر زنجان» است که توسط محسن کلانتری، سمیه قزلباش و کاظم جباری نوشته شده است (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۸). آن‌ها در این پژوهش می‌کوشند با رویکردی جغرافیایی و با روش تحلیلی تطبیقی به دو پرسش اساسی پاسخ دهند: (۱) بر اساس مدل‌های آماری گرافیک مبنا مهم‌ترین کانون‌های تمرکز جرائم شرارت، نزاع و درگیری در سطح شهر زنجان کجاست؟ (۲) مهم‌ترین عوامل مکانی تأثیرگذار در شکل‌گیری این کانون‌های جرم‌خیز کدام است؟. جامعه آماری این پژوهش، جرائمی هستند که در محدوده قانونی شهر زنجان در سال ۸۳ رخ داده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، توزیع نقاط مربوط به جرائم نزاع، شرارت و درگیری در سطح شهر زنجان از نظر آماری توزیع خوشه‌ای و متمرکز دارد. بنابراین محدوده‌های خاصی در سطح شهر زنجان محل تمرکز بزه‌کاری است و از الگوی متمرکز پیروی می‌کند که غالباً جزء نقاط بزرگ اسکان غیررسمی شهر نیز محسوب می‌شوند و در نقطه مقابل، بخش‌های فراوانی از شهر از نظر ارتکاب بزه‌کاری محدوده‌های پاک محسوب می‌شود و از طرف دیگر ارتباط معناداری نیز بین بالا بودن تراکم و ازدحام جمعیت و افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی مشاهده شده است.

مهدنژاد و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «تعیین کانون جرم‌خیز نزاع و درگیری» به مطالعه شهر هشتگرد پرداخته‌اند. در این پژوهش که با روش توصیفی تحلیلی انجام شده برای شناسایی و تحلیل الگوهای فضایی

توزیع جرم از آزمون‌های مرکز متوسط، بیضی انحراف معیار و آزمون‌های خوشه‌بندی و شاخص نزدیک‌ترین همسایه و تخمین تراکم کرنل استفاده شده است. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد مرکز متوسط جرم شرارت و درگیری در فاز سه شهر هشتگرد واقع شده و تمایل آن بیش‌تر به طرف فازهای چهار و هفت بوده است. جهت بیضی انحراف معیار به سمت شمال شرقی - جنوب غربی شهر و به‌طور مشخص فازهای چهار و یک است. یافته‌ها هم‌چنین نشان از خوشه‌ای بودن جرم نزاع دارند. بر اساس تخمین تراکم کرنل بیش‌ترین تمرکز این بزه در فازهای چهار و یک به‌وقوع پیوسته است. از نظر آن‌ها مشخصه‌های کالبدی از جمله وجود پروژه‌های نیمه‌تمام مسکن مهر، آپارتمان‌های بلند، فضاهای خالی زیاد و کمبود خدمات و امکانات به‌ویژه در محدوده‌های مسکن مهر موجب تشکیل کانون‌های جرم‌خیز شده است.

سلیمی سبحان و دیگران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «الگویابی مکانی - فضایی جرم نزاع و درگیری در نواحی استان تهران» به این نتیجه رسیده‌اند که این جرم در شهرستان‌های رباط‌کریم، شهریار و قدس در سطح زیاد، شهرستان‌های بهارستان، اسلامشهر، ملارد و ورامین در سطح متوسط و شهرستان‌های دماوند، پیشوا، قرچک، پاکدشت، پردیس و فیروزکوه در سطح کم بوده‌اند. تحلیل‌های بیضی انحراف معیار و مرکز متوسط جرم نیز نشان داده که مرکزیت همه جرائم در پهنه شهرستان تهران در حاشیه غربی قرار گرفته و جهت حرکت رفتارهای بزه‌کارانه نیز بسته به نوع جرم متفاوت است. این جهت در غالب جرم‌ها، شرقی - غربی بوده و در مواردی نیز شمال غربی و جنوب شرقی است. به‌علاوه خوشه‌بندی جرائم در سه خوشه در محدوده مشخص شده نشان داده که حجم و تراکم در همه جرم‌ها در پهنه شهرستان تهران (فرماندهی تهران بزرگ) جمع شده است و در اغلب سال‌ها محدوده شرق تهران در رتبه سوم و کم‌تر نسبت به دو فرماندهی دیگر قرار دارد.

مجموعه آثار فوق، مطالعاتی هستند که هر کدام به‌نوعی بخشی از ابعاد پژوهش حاضر را تحت پوشش قرار می‌دهند. برخی از آن‌ها جغرافیایی و برخی جامعه‌شناختی هستند. می‌توان یکی از ضعف‌های این پژوهش‌ها را در



یک‌سونگرانه دیدن موضوع جرم دانست و این‌که تنها از زاویه یک رشته خاص به آن می‌نگرند. به‌عنوان مثال در حوزه جغرافیا، صرفاً بر عامل فضا و مکان تأکید می‌شود و دیگر متغیرهای تأثیرگذار اجتماعی و فرهنگی به‌بوته فراموشی سپرده می‌شود و از سوی دیگر نادیده گرفتن عامل مهم و مؤثر فضا و مکان برای تبیین جرم، از سوی جامعه‌شناسان، عملاً تبیین آن‌ها را با کاستی‌هایی مواجه می‌کند. در این پژوهش سعی شده است با رویکردی جغرافیایی کانون‌های جرم‌خیز شناسایی شوند و تحلیلی جامعه‌شناختی از این داده‌ها ارائه شود.

در بخش مبانی نظری ابتدا به بحث فضا و فرایندهای اجتماعی پرداخته می‌شود که از نظر برخی از صاحب‌نظران به‌ویژه جغرافی‌دانان، بوم‌شناسان و جرم‌شناسان، عاملی مهم و تأثیرگذار برای شکل‌گیری بسیاری از پدیده‌های اجتماعی از جمله جرم تلقی می‌شود.

فضا و فرایندهای اجتماعی: جغرافی‌دانان همواره به نقش فضا در فرایندها و پدیده‌های اجتماعی تأکید داشته‌اند. این تأکید تا جایی بوده است که گاهی برخی از آنان را به حیطه جبرگرایی جغرافیایی کشانده و در موضعی مطلق‌گرایانه از فضا قرار می‌گیرند. در اندیشه مطلق‌گرایان، فضایی‌نفسه‌متغیر مستقلی است که می‌تواند نقش عمده‌ای در نگرش‌ها، رفتارها و فرایندهای اجتماعی داشته باشد. برخورد جوهری با فضا به معنای آن است که فضا محتوایی تعیین‌کننده داشته و می‌تواند مستقلاً علت پیدایی حوادثی خاص باشد. فضا، شی‌ای مستقل و برخوردار از نیرویی علی است. جغرافی‌دانان انسانی که نقش فضا را در تبیین پدیده‌های فرهنگی اجتماعی و روانی مهم دانسته‌اند، سعی کرده‌اند تا جوامع مختلف را بر اساس ماهیت و مقولات فضایی آن‌ها تحلیل کنند و دنیای اجتماعی را از زاویه تمایزات فضایی آن‌ها تبیین کنند. بسیاری از طرفداران این نحله از مقولات فضایی مانند فاصله، طول، عرض، ارتفاع، نقطه مبدأ، اندازه، حجم و جهت، مقولات مورد استفاده در توصیف موقعیت‌ها و حرکتهای اشیاء مادی، کمابیش و متأثر از رویکرد هندسی خود، اقلیدسی - مکانیکی، هذلولی و... برای توصیف و تبیین سایر پدیده‌های غیر

مادی استفاده می‌کنند (افروغ، ۱۳۷۷: ۹). اما اغلب جامعه‌شناسان کلاسیک بر پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی تأکید می‌کنند و متغیر مکان با آن که به‌طور تلویحی در اندیشه همه جامعه‌شناسان بوده است، آن را متغیری کم اهمیت می‌دانستند تا جایی که در تحلیل‌های خود عملاً آن را حذف می‌کردند. اما جامعه‌شناسان متأخر، حذف متغیر مکان و کم‌توجهی به آن را نقصی بزرگ در تحلیل‌های اجتماعی می‌دانند. می‌توان گفت کار میشل فوکو^۱، نقطه شروعی برای رشد علاقه به فضا در نظریه‌های دیگر بود. فوکو عنوان کرد که بسیاری از نظریه‌ها، به جز نظریه‌های مارکسیستی، زمان را بر فضا ترجیح داده‌اند. این ارزش‌زدایی از فضا در طول نسل‌های متمادی رواج داشته است. فضا به‌عنوان پدیده‌ای مرده، ثابت، غیر دیالکتیکی و بی‌حرکت انگاشته شده است. حال آن که زمان سرشار از غنا، زیایی، حیات و دیالکتیک تصور گشته است. معنای ضمنی این سخن آن است که فضا باید همانند زمان، ثمره و سودمندی خود را نشان دهد تا به‌عنوان امری غنی، پربار، زنده و دیالکتیکی لحاظ شود. گرچه در گذشته احتمالاً تأکید بر روی زمان (و تاریخ) بوده است، اما فوکو اظهار می‌دارد که عصر حاضر شاید بیش از هر چیزی عصر فضا باشد (ریتزر و گودمن^۲، ۱۳۹۰: ۲۳۰).

به‌عنوان یکی دیگر از مهم‌ترین اندیشمندان در این راستا، می‌توان به کار آنتونی گیدنز^۳ و وارد کردن متغیر مکان در معادله تأثیرگذاری بر کردار اجتماعی که تحت تأثیر مفهوم جغرافیای زمان هگسترند^۴ است و در بطن نظریه ساخت‌یابی^۵ او قرار می‌گیرد، اشاره کرد. گیدنز در میان جامعه‌شناسان و به‌ویژه جامعه‌شناسان شهری متأخر بیش از همه در تبیین رابطه فضا و جامعه و نقش زمان و مکان در نظریه‌پردازی‌های اجتماعی نقش دارد. او معتقد است اکثر نظریه‌های اجتماعی نه‌تنها زمان‌مندی کردار اجتماعی بلکه خواص مکانی آن را نیز نتوانسته‌اند به‌صورت جدی در نظر بگیرند. نه زمان و نه مکان در مرکز

1- Michel Foucault

2- G. Ritzer & D. Goodman

3- Anthony Giddens

4- Hagerstrand

5- Structuration Theory



نظریه‌های جامعه‌شناسی جایی ندارند. بلکه این‌دو تنها محیط‌هایی در نظر گرفته شده‌اند که کردار اجتماعی در آن اتفاق می‌افتد. نادیده گرفتن مکان در نظریه‌های اجتماعی شاید تا حدی ناشی از ترس جامعه‌شناسان در گیر افتادن در منجلاب جبرگرایی جغرافیایی باشد. ورود اکولوژی به علوم اجتماعی نیز گرهی از مشکلات نگشود زیرا چون این واژه ویژگی‌های فضایی را با ویژگی‌های جهان مادی در هم آمیخته و از طرف دیگر ویژگی‌های فضایی را به‌مثابه محیط فعالیت اجتماعی در نظر گرفته تا به‌عنوان عامل وقوع آن (گیدنز، ۱۹۹۰: ۲۰۲). بنابراین گیدنز از مهم‌ترین جامعه‌شناسان متأخری است که در نظریات خود و از جمله در نظریات مربوط به جامعه‌شناسی شهری، مکان را از نظر دخالت در تحلیل پدیده‌های اجتماعی، اجتناب‌ناپذیر می‌داند.

نظریه‌های کانون‌های جرم‌خیز^۱: اصطلاح کانون‌های جرم‌خیز برای اولین بار در سال ۱۹۶۹ توسط شرمن^۲، گارتین^۳ و برگر^۴ برای تحلیل مکانی بزه‌کاری مورد استفاده قرار گرفت و بیان‌گر یک محدوده جغرافیایی و مکانی است که نرخ بزه‌کاری در آن بسیار بالاست. کانون جرم می‌تواند بخشی از یک شهر، محله، چند خیابان مجاور و یا حتی یک مجتمع مسکونی باشد. تیلور^۵ در تعریف کانون‌های جرم‌خیز آن‌را معادل مکان‌های کوچک با تعداد زیاد جرم در یک دوره زمانی حداقل یک‌ساله دانسته‌اند (تیلور، ۱۹۸۸: ۳). کلارک کانون‌های جرم‌خیز را جایی می‌داند که نسبت به محدوده‌های دیگر، مردم برای درخواست کمک بیش‌تر با پلیس تماس می‌گیرند. از نظر او کانون‌های جرم‌خیز می‌توانند میزان جرائم محلی را افزایش دهند (فلسون، کلارک، ۱۳۸۸: ۱۵). ویزبرد^۶ و اک^۷ چهار عامل را در شکل‌گیری کانون جرم‌خیز، مهم تلقی می‌کنند:

الف) وجود امکانات و تسهیلات مناسب بزه‌کاری؛

-
- 1- Hot Spot
 - 2- L. W. Sherman
 - 3- P. R. Gartin
 - 4- M. E. Buerger
 - 5- Taylor, R, B
 - 6- D. Weisburd
 - 7- E. J. Eck

ب) ویژگی‌های مکانی مانند دسترسی راحت، نبود گشت و نگهبان، نبود مدیریت صحیح بر مکان و در کنار آن وجود برخی امکانات مجرمین را ترغیب در برخی مکان‌های خاص می‌نماید؛

پ) اهداف مجرمانه، یا وجود اموال یا اشیایی که مطلوب بزه‌کاران است؛

ت) وجود بزه‌کار و بزه‌کاران و داشتن توانایی و انگیزه کافی جهت عمل مجرمانه (اک و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۶۰).

طرف‌داران نظریه فعالیت روزمره، دلیل توزیع مکان‌های تمرکز بزه‌کاری در محدوده‌های خاص جغرافیایی را در هم‌گرایی و ترکیب سه عامل مرتبط به هم می‌دانند که موجب شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز می‌شود:

۱. وجود اهداف مجرمانه؛

۲. وجود بزه‌کارانی که دارای انگیزه، توان و مهارت کافی برای انجام عمل بزه‌کارانه هستند؛

۳. فقدان مراقبت و کنترل جهت مقابله با اقدامات پیش‌گیرانه (فلسون، کلارک، ۱۳۸۸: ۱۵).

کانون جرم‌خیز^۱: کانون جرم‌خیز به مکان‌هایی کوچک که با تعداد جرم زیاد که حداقل در یک دوره زمانی یک‌ساله قابل پیش‌بینی هستند گفته می‌شود (تیلور، ۱۹۸۸: ۳). مرکز کاهش جرم وزارت کشور انگلستان نیز کانون‌های جرم‌خیز را یک ناحیه جغرافیایی می‌داند که در آن وقوع بزه از حد متوسط بالاتر است و یا ناحیه‌ای که وقوع بزه‌کاری در آن نسبت به توزیع جرم در کل ناحیه متمرکزتر است. طبق این تعریف کانون‌های جرم‌خیز محدوده‌های مشخص و معینی است که سهم زیادی از کل جرائم در کل محدوده مورد مطالعه را در خود جای داده است (کلانتری و توکلی، ۱۳۸۶). کلارک نیز کانون‌های جرم‌خیز را محدوده‌ای می‌داند که نسبت به محدوده‌های دیگر، مردم



برای درخواست کمک، با پلیس بیش‌تر تماس می‌گیرند (فلسون و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵).

نواحی یا نقاطی از شهر کرمانشاه که توسط نرم افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی^۱ (جی‌آی‌اس) از تعداد جرم بیش‌تری نسبت به مناطق دیگر تشخیص داده شوند، کانون جرم‌خیز یا مناطق پرخطر گفته می‌شود.

فرضیه پژوهش

توزیع جغرافیایی نقاط وقوع نزاع فردی از الگوی خوشه‌ای و متمرکز پیروی می‌کند.

روش

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی است و برای بررسی این موضوع از روش تحلیل آمارهای موجود استفاده شده است. آمارهای موجود اطلاعات اصلی را برای هر پژوهش اجتماعی فراهم می‌سازند (ببی، ۱۳۸۵: ۶۶۵). نقص آمارهای رسمی جرم، آن است که این آمارها فقط شامل جرائمی است که توسط پلیس به ثبت رسیده‌اند و فقط بخشی از همه تخلف‌های مجرمانه را منعکس می‌کنند و بنابراین بخشی از تخلفات به‌عنوان رقم تاریک محسوب می‌شود و مورد تحلیل قرار نمی‌گیرد. داده‌های مربوط به وقوع جرم نزاع در محلات از دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی کرمانشاه اخذ شده است که حاوی آدرس دقیق محل وقوع نزاع، تاریخ و ساعت رخداد آن است.

جامعه آماری این پژوهش محلات مختلف کلان‌شهر کرمانشاه (۱۰۱ محله) است، با توجه به این‌که تعداد این محلات محدود است، از این‌رو در این بخش از کار پژوهش، نمونه‌گیری صورت نگرفته و جامعه، تمام‌شماری^۲ شده است. مبنای این تقسیم‌بندی، نام‌گذاری محله‌های مختلف به‌صورت رسمی توسط استانداری و اداره کل مسکن و شهرسازی و همین‌طور به‌صورت غیر رسمی

توسط شهروندان است. واحد مشاهده و واحد تحلیل این پژوهش نیز، محله و واحد مشاهده، جرم است.

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل‌های آمار فضایی در محیط جی‌آی‌اس استفاده شده است. در محیط برنامه جی‌آی‌اس پژوهش حاضر به‌دنبال تهیه نقشه‌های جرم و شناسایی کانون‌های جرم‌خیز است و در نهایت با استفاده از آزمون‌های آماری، الگوهای کلی و عمومی جرم نزاع فردی را در سطح کرمانشاه تعیین می‌کند.

برای بررسی و شناسایی نقاط پرخطر و کانون‌های جرم‌خیز روش‌های مختلفی را با استفاده و بهره‌گیری از سیستم اطلاعات جغرافیایی می‌توان به‌کار گرفت. سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی بنابه تعریف، سیستم‌هایی هستند که امکان سازمان‌دهی، تولید، تکثیر، تحلیل و نمایش داده‌های فضایی را فراهم آورده و امکان شناسایی روندها، روابط و الگوهای موجود بین داده‌ها را به‌دست می‌دهند (عسگری، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۵). از جمله این روش‌ها می‌توان به ترسیم نقشه‌های نقطه‌ای، نقشه‌های تراکمی، نقشه‌های شنیداری و تحلیل‌های آمار فضایی^۱ اشاره کرد. انتخاب هریک از این فنون به هدف پژوهش و نوع نیازهای پرسش‌های پژوهش بستگی دارد:

۱. نقشه نقطه‌ای: یکی از روش‌های معمول برای نمایش الگوهای جغرافیایی عوارض مختلف از جمله جرم، استفاده از نقشه‌های نقطه‌ای است. این روش شکل رقومی‌شده و ساده‌ای از روش سنتی قرار دادن پونز بر روی نقشه‌های کاغذی روی دیوار است. در کاربردهای رقومی، اگر این نقاط جغرافیایی به شکل مناسبی با اطلاعات مرتبط دیگر ترکیب شوند مانند علائمی که نوع، تاریخ و زمان وقوع جرم را نشان دهند، آن‌گاه دسته‌ای از نقاط که از شرایط خاصی برخوردارند را می‌توان به سادگی و به‌سرعت انتخاب کرد. سپس می‌توان این انتخاب‌ها را به‌وسیله نمادهای مناسب نشان‌دهنده گروه جرائم خاص نشان داد. (اک و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۴).



در پژوهش حاضر برای جرم نزاع، و ثبت مورد به مورد آن، از نقشه نقطه‌ای استفاده شده است.

۲. مرکز متوسط^۱: نقطه مرکز متوسط، معیاری است تقریبی برای مقایسه و تطبیق توزیع فضایی انواع مختلف جرم. به عبارت دیگر از این شاخص می‌توان برای بررسی وقوع یک نوع جرم خاص در دوره‌های زمانی مختلف استفاده کرد. سنجش جابه‌جایی فضایی یک نوع جرم خاص از آن جمله است.

۳. بیضی انحراف معیار^۲: بیضی انحراف معیار سطوح پراکندگی داده‌های مربوط به جرم را نمایش می‌دهد. اندازه و شکل بیضی، میزان پراکندگی و امتداد آن جهت حرکت جرم را تعیین می‌کند (اک و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۷).

۴. آزمون خوشه‌بندی^۳: یکی دیگر از آزمون‌ها برای بررسی جرم آزمون خوشه‌بندی است و هدف از اجرای آن این است که مشخص شود آیا توزیع جرم تجمعی و خوشه‌ای است یا نه. این آزمون، اولین گام برای شناسایی کانون جرم خیز است. از چندین روش برای سنجش خوشه‌ای بودن جرم می‌توان استفاده کرد. از جمله: شاخص نزدیک‌ترین همسایه و شاخص خود هم‌پستگی فضایی.

الف) شاخص نزدیک‌ترین همسایه^۴: شاخص نزدیک‌ترین همسایه، روشی است برای آزمون تجمع جرم در یک محدوده جغرافیایی. در این آزمون که به سهولت می‌توان دریافت آیا داده‌ها توزیع خوشه‌ای دارند و آیا کانون جرم خیز شکل گرفته است، توزیع واقعی داده‌های جرم با جمعی از داده‌ها به همان تعداد نمونه و با توزیع بی‌قاعده مقایسه می‌شود و زمانی به کار گرفته می‌شود که پژوهش‌گر به داده‌هایی دسترسی دارد که هر نقطه به یک جرم خاص مربوط است. آزمون شاخص نزدیک‌ترین

1- Mean Center

2- Standard Deviation Ellipse

3- Test For Clustering

4- Nearest Neighbor Index(NNI)

همسایه شامل محاسبه فاصله هر نقطه جرم تا نزدیک‌ترین نقطه جرم مجاور، محاسبه جمع فاصله نزدیک‌ترین نقاط مجرمانه مجاور و تقسیم حاصل جمع آن بر تعداد نقاط مجرمانه است. این مقدار، متوسط فاصله از نزدیک‌ترین همسایه واقعی است. اگر نتیجه آزمون شاخص نزدیک‌ترین همسایه برابر با یک باشد، داده‌های جرم به صورت تصادفی توزیع شده‌اند و فاقد معناداری آماری است. اگر نتیجه کوچک‌تر از یک باشد، بیان‌گر خوشه‌ای بودن داده‌های جرم و اگر بزرگ‌تر از یک باشد، نشان‌دهنده الگوی توزیع یک‌نواخت داده‌ها است. اگر نتیجه آزمون شکل خوشه‌ای نداشته باشد، کانون جرم‌خیزی شکل نگرفته است و نیازی به شناسایی کانون جرم‌خیز نیست. برای صحت آزمون شاخص نزدیک‌ترین همسایه از آماره Z استفاده می‌شود. این آماره، اختلاف متوسط فاصله از نزدیک‌ترین همسایه واقعی را نسبت به متوسط فاصله از نزدیک‌ترین همسایه تصادفی تعیین می‌کند. هرچه قدر مقدار این آماره یک عدد منفی بزرگ‌تری باشد، بیش‌تر می‌توان به درستی نتیجه آزمون شاخص نزدیک‌ترین همسایه اطمینان کرد. البته ذکر این نکته ضروری است که این مقدار در نمونه‌هایی با تعداد کم‌تر، نسبت به نمونه‌هایی با تعداد بیش‌تر، کوچک‌تر خواهد بود.

ب) آزمون تخمین تراکم کرنل^۱: آزمون تخمین تراکم کرنل روشی است که برای تحلیل و شناسایی الگوهای فضایی جرم در محدوده مورد مطالعه به کار گرفته می‌شود و در میان روش‌های درونیایی، مناسب‌ترین روش برای به تصویر کشیدن داده‌های بزه‌کاری به صورت سطح پیوسته می‌باشد. این روش سطح همواری از تغییرات در تراکم نقاط جرم بر روی محدوده ایجاد می‌کند. استفاده فزاینده ترسیم نقشه به روش هموارسازی سطح پیوسته، عمدتاً به دلیل جنبه‌های دیداری و در دسترس بودن آن است. روش تخمین تراکم کرنل چهارگانه، طی چهار مرحله انجام می‌گیرد:



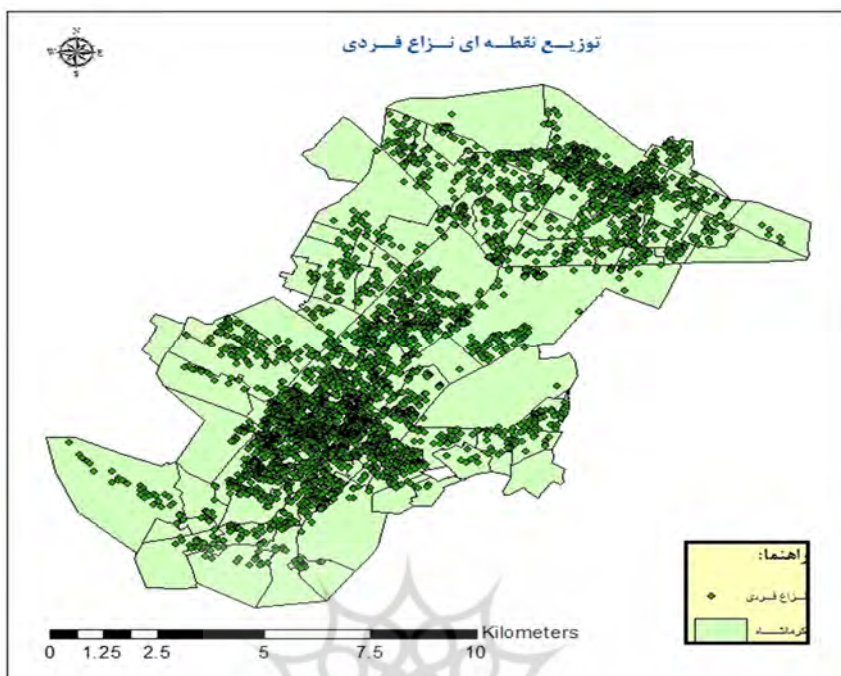
ابتدا شبکه‌ای با سلول‌های کوچک بر روی محدوده توزیع نقاط جرم ایجاد می‌شود.

تابع سه بُعدی قابل تغییری با شعاع معین بر روی هر سلول در نظر گرفته و وزن هر نقطه درون شعاع کرنل محاسبه شود. نقاط نزدیک‌تر به مرکز، وزن بیش‌تری می‌گیرند و در نتیجه به مقدار تراکم کل سلول مقدار بیش‌تری افزوده می‌شود.

مقادیر نهایی سلول شبکه با جمع کردن تمام مقادیر موجود در سطوح دایره‌ای برای هر مکان به‌دست می‌آید (همان: ۶۵). نقشه‌های تهیه شده به روش هموارسازی سطح پیوسته، امکان تغییر ساده‌تر خوشه‌های جرم را فراهم می‌آورد و توزیع فضایی و مکانی کانون‌های جرم‌خیز را با دقت بیش‌تری نشان می‌دهد.

یافته‌ها

توزیع نقطه‌ای نزاع فردی: نزاع فردی از جمله جرائمی است که اغلب بیش‌تر از میزان آمار رسمی آن است، زیرا بسیاری از نزاع‌ها به‌گونه‌ای است که با وساطت مردم، خاتمه می‌یابد و به پلیس گزارش نمی‌شود. با این‌حال این نوع جرم جزء جرائمی است که تعداد آن بسیار زیاد است. نقشه شماره یک، وضعیت پراکندگی نزاع و درگیری‌های فردی را نشان می‌دهد. تراکم در محله‌های مرکزی بیش‌تر از بقیه محلات است. به‌علاوه در محله آبادانی مسکن نیز تراکم بالاست.

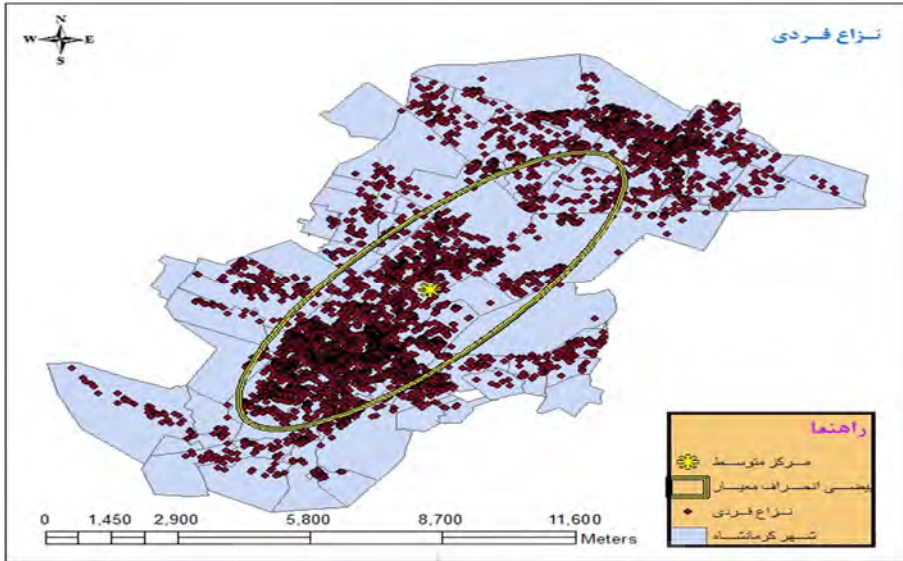


نقشه شماره ۱: توزیع نقطه‌ای نزاع فردی در سطح شهر کرمانشاه

منبع: نگارنده، ۱۴۰۲

مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار نزاع فردی: مرکز متوسط جرم نزاع فردی، طبق نقشه شماره دو در محله برق، خیابان ۱۷ شهرپور واقع شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نقشه شماره ۲: مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار نزاع فردی

منبع: نگارنده، ۱۴۰۲

در این پژوهش بیضی انحراف معیار برای نزاع فردی، در جهت شمال شرقی جنوب غربی با میزان کشیدگی نسبتاً زیاد و عرض کم، قرار گرفته است.

آزمون خوشه‌بندی نزاع فردی: جدول شماره یک وضعیت شاخص نزدیک‌ترین همسایه را برای نزاع فردی در سطح شهر نشان می‌دهد. از این آزمون برای سنجش فرضیه پژوهش استفاده شده است.

فرضیه پژوهش: توزیع جغرافیایی نقاط وقوع نزاع فردی از الگوی خوشه‌ای و متمرکز پیروی می‌کند.

جدول شماره ۱: شاخص نزدیک‌ترین همسایه نزاع فردی

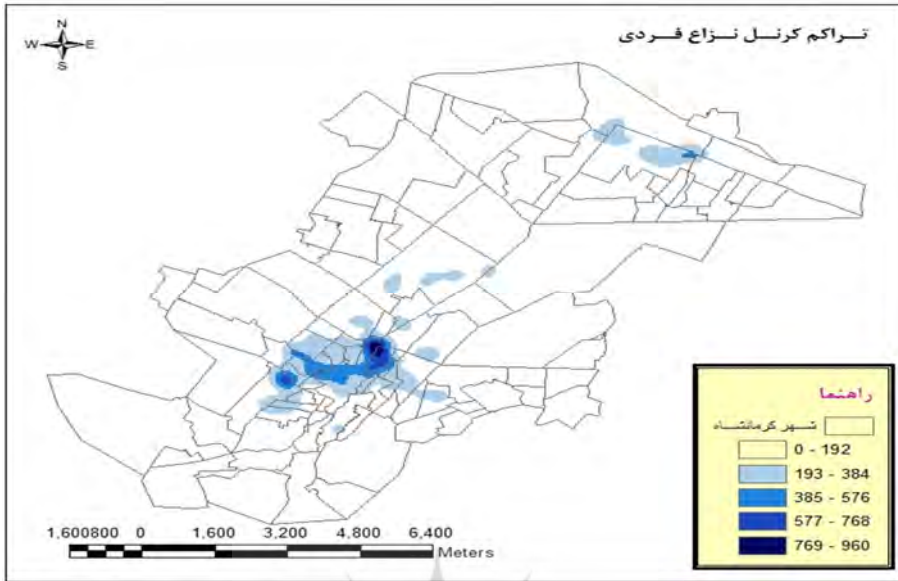
جرم	NNRatio	Z-Score	P-Value	مقدار مورد انتظار	مقدار مورد مشاهده	نوع توزیع فضایی
نزاع فردی	۰/۴۶۷	-۷۸/۰۸	۰/۰۰۰	۷۸/۶۱	۳۴/۱۲	خوشه‌ای

مقدار شاخص نزدیک‌ترین همسایه برابر با ۰/۴۶۷ است. با توجه به این مقدار کوچک‌تر از یک است، این آماره نشان می‌دهد توزیع داده‌های جرم نزاع

فردی، خوشه‌ای است و کانون جرم در سطح شهر، شکل گرفته و باید کانون یا کانون‌های جرم‌خیز مورد شناسایی قرار گیرند. مقدار آماره Z برابر با $۷۸/۰۸ -$ است که صحت آن را مورد تأیید قرار می‌دهد. مقدار وقوع نزاع مورد انتظار $۷۸/۶۱$ و مقدار مورد مشاهده مساوی با $۳۴/۱۲$ متر است که نشان می‌دهد از نظر این آماره انتظار می‌رفت که در هر ۷۸ متر یک جرم اتفاق افتاده باشد، اما مقدار مشاهده‌شده نشان می‌دهد در هر ۳۴ متر یک جرم اتفاق افتاده، یعنی بسیار بیش‌تر از مقدار مورد انتظار. بنابراین نتیجه این آمار نشان‌دهنده این است که محدوده یا محدوده‌هایی خاص از شهر، محل تمرکز نزاع است که باید مورد بررسی قرار گیرند و سایر مکان‌ها، محدوده‌های پاک محسوب می‌شوند.

آزمون تخمین تراکم کرنل نزاع فردی: نقشه شماره سه، وضعیت تراکم جرم نزاع فردی را نشان می‌دهد. این جرم نیز به مانند بسیاری از جرائم دیگر با این‌که در تمام سطح شهر به چشم می‌خورد اما در دو نقطه از شهر کانون جرم‌خیز شکل گرفته و با تراکم شدیدی مواجه است. اولین و گسترده‌ترین کانون در مرکز شهر، میدان آزادی و اطراف آن متمرکز شده است. دومین کانون در قسمت شمالی محله نقلیه معروف به زورآباد قرار دارد. این نقطه از شهر غالباً با جرائم خشونت‌آمیز بیش‌تری همراه است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نقشه شماره ۳: نقشه تراکم کرنل نزاع فردی در کرمانشاه

منبع: نگارنده، ۱۴۰۲

بحث و نتیجه‌گیری

نزاع خیابانی در کلان‌شهرهای کشورهای جهان سوم، امروزه از معضلات مهمی است که می‌تواند آسیب‌هایی جدی به طراوت و شادابی اجتماعی شهروندان و احساس امنیت آن‌ها وارد کرده و به‌عنوان آسیبی اجتماعی نظام مدیریت شهری را به چالش بکشد. نزاع به ویژه اگر رخداد آن به میزان زیاد باشد می‌تواند پیامدهای فردی و اجتماعی عدیده‌ای با خود به دنبال داشته باشد. از لحاظ اجتماعی، نزاع باعث اختلال در نظم عمومی، اختلال در روابط اجتماعی، سلب احساس امنیت اجتماعی، ایجاد رعب و وحشت در جامعه به‌ویژه در میان کودکان، خسارت به اماکن عمومی و ... می‌شود و از نظر فردی، برای طرفین دعوا گاهی منجر به خسارت‌های جبران‌ناپذیری از جمله جراحات‌های عمیق، قطع عضو، قطع نخاع و حتی منجر به قتل و متعاقب آن مجازات‌های شدید کیفری و خسارت‌های اقتصادی می‌شود. بنابراین می‌توان به‌عنوان یک آسیب جدی به این پدیده اجتماعی نگریست که چه در بُعد فردی و چه در بُعد

اجتماعی مشکل‌آفرین است. برای کنترل و کاستن از میزان رخداد این آسیب می‌توان پژوهش‌هایی از حیث علت‌ها، زمینه‌ها و بررسی پیامدها انجام داد. این پژوهش به دنبال شناسایی کانون‌های جرم‌خیز و تحلیل جامعه‌شناختی و جغرافیایی آن بود تا از طریق تشخیص نقاط آلوده درصد راه کارهایی برای درمان آن نقاط از طریق نظام مدیریت شهری باشد. برای چنین هدفی در این پژوهش از روش‌های شناسایی کانون‌های جرم‌خیز استفاده شده است. روش‌های شناسایی کانون جرم‌خیز تکنیک‌هایی هستند که به ما کمک می‌کنند مناطق با نرخ جرم بالا را شناسایی و منابع را برای پیش‌گیری از جرم در آن مناطق متمرکز کنیم. این کار در واقع نوعی نقشه‌برداری از جرم محسوب می‌شود که بر پایه چنین نقشه‌هایی، اقدامات پلیسی و برنامه‌ریزی شهری، برای رفع مشکل، شکلی هدفمند و منظم به‌خود می‌گیرد. بنابراین اگر شناسایی نقاط آلوده یا به عبارتی نقشه‌برداری از جرم به‌طور دقیقی صورت بگیرد و در ادامه اگر بتوان از وقوع جرم در این نقاط داغ پیش‌گیری کرد، تأثیر قابل توجهی بر نرخ کلی جرم خواهد داشت.

یافته‌ها نشان می‌دهد که این جرم با این‌که در تمام سطح شهر به‌چشم می‌خورد اما توزیع داده‌ها، خوشه‌ای است و در دو نقطه از شهر، کانون جرم‌خیز شکل گرفته و با تراکم شدیدی مواجه است و بیضی انحراف معیار برای نزاع فردی، در جهت شمال شرقی - جنوب غربی با میزان کشیدگی نسبتاً زیاد و عرض کم، قرار گرفته است. نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که محدوده یا محدوده‌هایی خاص از شهر، محل تمرکز جرم است که مورد اول از نقاط کم‌برخوردار شهر و مورد دوم مرکز شهر است که محل تراکم جمعیت، با چهار خیابان اصلی است که شمال و جنوب و شرق و غرب را به هم وصل می‌کند و باید مورد بررسی قرار گیرند و سایر مکان‌ها، محدوده‌های پاک محسوب می‌شوند. درک پس‌زمینه اقتصادی-اجتماعی این درگیری‌ها برای پرداختن به علل ریشه‌ای آن‌ها ضروری است. وجود کانون جرم‌خیز از منظر جامعه‌شناختی، بیانگر وجود نوعی نابرابری از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی است. مکانی که به‌عنوان کانون شناسایی می‌شود، نیازمند



درمان است و باید راهی برای رهایی از این وضعیت برای آن جست‌وجو کرد. نقشه پراکندگی جرم صرف‌نظر از دو کانون شکل گرفته، نشان می‌دهد تمرکز نزاع بیش‌تر جایی است که یا تراکم جمعیتی بالاست و یا آن مکان در یک محله محروم نسبت به محلات دیگر قرار گرفته است. بنابراین تراکم بالای جمعیتی و همین‌طور دسترسی محدود به منابع و محروم بودن یک محله از زیرساخت‌های کافی و امکانات و تسهیلات اجتماعی اقتصادی فرهنگی، و در سطح فردی، ناتوانی افراد محلات کم‌برخوردار در برآوردن نیازهای ضروری اولیه، برای شکل‌گیری درگیری‌های خیابانی مشهود هستند. درگیری‌های خیابانی گاهی از تنش‌های بین طبقات مختلف اجتماعی و اقتصادی و تضاد ارزش‌ها ناشی می‌شود. نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی رایج در شهرهای در حال توسعه منجر به ناامیدی‌هایی می‌شود که می‌تواند در ناآرامی عمومی ظاهر شود. از طرفی فقدان خدمات اجتماعی می‌تواند احساس بی‌حق و حقوقی را در میان گروه‌های اجتماعی-اقتصادی پایین‌تر تشدید کند. این شرایط زمینه مساعدی را برای درگیری ایجاد می‌کند، زیرا گروه‌های به حاشیه رانده ممکن است برای ابراز نارضایتی خود به خشونت متوسل شوند.

پیشنهاده‌ها

مهم‌ترین راه‌کارهایی که می‌توان برای چنین شرایطی در نظر گرفت را به دو دسته کلی راه کارهای زود بازده و راه کارهای بلندمدت تقسیم کرد. در سطح راه کارهای زود بازده و اورژانسی، بر اساس نظریه کنترل اجتماعی هرشی نصب روشنایی، نصب دوربین‌های نظارتی مدار بسته، ایجاد پایگاه‌های پلیس و حضور پلیس، در کانون‌های اصلی جرم می‌تواند نرخ میزان نزاع را کاهش دهد. از طرف دیگر مرکز شهر به گونه‌ای است که خیابانی کوچک با پیاده‌روهای تنگ و نامناسب همراه با حجم و تراکم جمعیتی بالاست؛ از ابتدا تا انتهای این خیابان بعضی از ساختمان‌ها بازسازی و ترمیم‌شده و عقب‌نشینی کرده‌اند و برخی دیگر، به همان شکل بافت فرسوده و دست نخورده قدیمی است. به نظر می‌رسد



با ترمیم بافت‌های فرسوده و عقب‌نشینی آن‌ها، فضای پیاده‌روها وسیع‌تر و بازتر و از تراکم جمعیت کم می‌شود.

راه‌کارهای بلندمدت باید در سطح کلان و در قالب راه‌کارهای ساختاری توسط مدیران سطح بالای جامعه و برنامه‌ریزان ارشد کشور صورت گیرد که می‌تواند شامل این موارد باشد: رفع معضل بیکاری، کاهش تورم و فشار اقتصادی، فرهنگ‌سازی از طریق آموزش و پرورش و رسانه‌ها مبنی بر مذموم بودن نزاع برای انسان‌های مجهز به تفکر و منطق، آموزش و برگزاری کارگاه‌های مهارت زندگی از جمله تاب‌آوری و کنترل خشم و هیجان برای نوجوانان و جوانان در مدارس، دانشگاه‌ها، فرهنگ‌سراها و کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ساخت فیلم‌ها و سریال‌های با محوریت آسیب‌های ناشی از نزاع‌های فردی و گروهی و قبیح بودن آن در جامعه انسانی.

سپاس‌گزاری

نگارنده از پژوهش‌گران و نویسندگان کتب و مقالاتی که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته و همین‌طور از عوامل اجرایی و علمی پژوهش‌نامه جغرافیای انتظامی از جمله سردبیر، مدیر مسئول، مدیر اجرایی، ویراستار و داورانی که با دقت نظر مقاله را بررسی و نکات ارزشمندی را یادآور شدند و بر غنای آن افزودند، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

- افروغ، عماد (۱۳۷۷). فضا و نابرابری اجتماعی، ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- اک، جان. ای، و دیگران (۱۳۸۷). تهیه نقشه برای تحلیل بزه‌کاری: شناسایی کانون‌های جرم‌خیز. ترجمه محسن کلانتری و مریم شکوهی، چاپ اول، زنجان: نشر آذر کلک.
- بی، ازل (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. مترجم: رضا فاضل. جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
- بخارایی، احمد (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ ششم.
- ربانی خوراسگانی، رسول، عباسزاده، محمد، و نظری، جواد (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع‌های جمعی: (مطالعه موردی: شهرستان‌های منتخب استان ایلام). فصلنامه علمی پژوهشی انتظام اجتماعی، ۱(۳)، ۱۲۶-۱۰۴. موجود در آدرس: <http://sopra.jrl.police.ir/>
- ریتزر، جورج، و گودمن، جی، داگلاس (۱۳۹۰). نظریه جامعه‌شناسی مدرن. ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفی‌زاده، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- سلیمی‌سبحان، محمدرضا، سیاح البرزی، هدایت، و عامری، محمدعلی (۱۴۰۰). الگویابی مکانی - فضایی جرم نزاع و درگیری در نواحی استان تهران. پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۹(۳۵)، ۱۱۱-۱۳۲. موجود در آدرس: 10.22034/pogra.2021.208559.1279
- شایان‌مظفر، علیرضا (۱۳۸۸). دائرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان.
- طالب، مهدی، نجفی اصل، زهره، و احمدی اوندی، ذوالفقار (۱۳۹۶). مطالعه کیفی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته جمعی: مورد مطالعه: شهرستان ایذه، فصلنامه علمی پژوهشی توسعه اجتماعی، ۱۱(۴)، ۷۱-۱۰۲. موجود در آدرس: 10.22055/qjsd.2017.13007
- عسگری، علی (۱۳۹۰). تحلیل‌های آمار فضایی در Arc GIS. تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
- فلسون، مارکوس، و کلارک، رونالد، وی (۱۳۸۸). فرصت و بزه‌کاری: نگرشی کاربردی برای پیشگیری از بزه‌کاری. ترجمه محسن کلانتری و سمیه قزلباش، زنجان: نشر دانش.
- کلانتری، محسن، توکلی، مهدی (۱۳۸۶). شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم‌خیز شهری. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۲(۲)، ۷۵-۱۰۰. موجود در آدرس: http://cps.jrl.police.ir/article_13417.html

– کلانتری، محسن، قزلباش، سمیه، و جباری، کاظم (۱۳۸۸). تحلیل فضایی بزه‌کاری شهری با استفاده از مدل تخمین تراکم کرنل در شهر زنجان. فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، ۳(۲)، موجود در آدرس:

<http://osra.jrl.police.ir/>

– محسنی، رضاعلی، معین‌فر، سجاد، معین‌فر، علی، و علیزاده، پرویز (۱۳۹۶). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت خیابانی (مطالعه موردی: شهر ارومیه). فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی، ۶(۲)، صص ۷۵-۱۰۲. موجود در آدرس:

<https://journals.sabz.ac.ir/scds/article-1-319-fa.html>

– مهندس‌زاد، حافظ، جوانمرد، محمد، بزرگوار، علیرضا، و تمجیدی، زهرا (۱۳۹۹). تعیین کانون جرم‌خیز نزاع و درگیری (مورد مطالعه: شهر جدید هشتگرد). پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۸(۲۹)، ۱۰۳-۱۲۴. موجود در آدرس:

20.1001.1.23833580.1399.1399.29.5.9

– نصیری، نوراله (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع‌های دسته‌جمعی شهرستان کارون. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.

– Anderson, Martin, A. (2006). A Spatial Analysis of Crime in Vancouver, British Colombia: A Synthesis of Social disorganization and Routine Activity Theory. The Canadian Geographer, 50(4), 487-520. Available at: DOI:10.1111/j.1541-0064.2006.00159.x

– Giddens, Anthony. (1990). Central Problems in Social Theory, Action, Structure and Contradiction in Social Analysis. University of California reprinted.

– Kelsay, James. D. (2021). Testing the Criminology of the Unpopular: The Influence of Street Usage Potential, Facility Density, & Facility Site Selection on Nearby Crime. Doctoral Dissertation. In the School of Criminal Justice of the College of Education, Criminal Justice, and Human Services. Available at:

http://rave.ohiolink.edu/etdc/view?acc_num=ucin1637156321988382

– Knox, Paul, (1995). Urban Social Geography: An Introduction. New York: Longman Group Limited.

– Sherman, L.W. Gartin, P.R, Burger, M.E. (1989). Hotspots of Predatory Crime: Routine Activities and the criminology of Place, Criminology: NO.27. Available at:

<https://doi.org/10.1111/j.1745-9125.1989.tb00862.x>

– Taylor, R, B. (1988). Crime and Small-Scale Places: What we know? What we can prevent? And what else we need to know?. Crime and Place: Plenary Papers of the 1997 Conference on Criminal Justice And Evaluation, U.S. department of Justice.